

تحلیل مبانی فقهی و حقوقی مسئولیت مدنی مُبلّغین دینی ناشی از اشتباه در بیان احکام شرعی

نویسنده اول: دکتر سید مهدی جوکار، دانشیار گروه الهیات، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج،
ایران (نویسنده مسئول) m.jokar@yu.ac.ir

نویسنده دوم: دکتر فاطمه علیزاده، استادیار گروه الهیات، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج،
ایران f.alizadeh@yu.ac.ir

نویسنده سوم: دکتر نجمه زکی خانی، دانش آموخته دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه
یاسوج، ایران nz.zakikhani@gmail.com

چکیده

از مهمترین امور تبلیغی، ترویج صحیح احکام شرعی است. اما گاهی این مقوله با چالش‌هایی مواجه می‌شود که از اهم آنها، اشتباه مبلّغین در بیان احکام است. بطور منطقی چنانچه مبلّغ در بیان احکام دچار اشتباه شود، باید زمینه‌ای برای پاسخگویی وی از حیث جبران، پیش بینی شده باشد که با جستجو در دیدگاه‌های فقهی و قوانین جاری در محاکم قضایی، این خلأ مشاهده می‌شود و بدیهی است که باید مطابق مبانی و اصول حاکم بر نظامات فقهی و حقوقی، مسئولیت مبلّغ روشن گردد. پژوهش حاضر با روش تحلیلی توصیفی، بدنبال یافتن پاسخ به این سوال است که مبلّغ دینی در صورت خطا در بیان احکام شرعی، چگونه دارای مسئولیت مدنی است و در صورت اثبات اشتباه، به چه شکل می‌توان بر علیه مبلّغ اقامه دعوا کرد؟ در این پژوهش بعد از بیان نظرات و آراء فقها مشخص شد که خسارت مادی و معنوی ناشی از بیان احکام دینی توسط مبلّغین را می‌توان با تکیه بر قواعد فقهی لاضرر و تسبیب و همچنین نظریه مسئولیت مطلق قابل جبران و توجیه دانست. از این رو شایسته است قانون‌گذار با وضع ماده‌ای اختصاصی و متناسب با این مسئله آن را تصویب کند.

واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی، احکام شرعی، مبلّغین دینی، اشتباه مبلّغین، جبران خسارت

۱. مقدمه

بیان احکام شرعی در جامعه از اساسی‌ترین وظیفه مبلغین دینی است که عینیت بخشیدن به ارزش‌های دینی در زندگی مردم را به عهده دارند. در تاریخ شیعه، مبلغین دینی به شیوه‌های مختلف به تعلیم آموزه‌های دینی می‌پرداختند و از آنجا که در دنیای امروز برخی کمپانی‌های غربی با روش‌های مخرب تلاش می‌کنند در جوامع مسلمان، ناهنجاری‌های اعتقادی ایجاد نمایند و سطح اعتقادی مردم را با انواع انحرافات تغییر دهند، تبلیغ احکام شریعت به جهت مقابله با این بحران‌ها ضرورت ویژه‌ای پیدا می‌کند و مسئولیت خطیری بر عهده مبلغین و علمای دینی می‌باشد و در این مسیر، هر نوع خطا و کوتاهی می‌تواند موجب آسیب‌های جبران‌ناپذیری به اعتقادات مردم شود و بالتبع، هر جا که سخن از ضرر و زیان به میان آید، علی‌القاعده باید نحوه جبران خسارت نیز پیش‌بینی گردد و به همین خاطر، بروز خطا در بیان احکام، می‌تواند به طرح دعوا در محاکم قضایی و هیأت‌های رسیدگی به تخلفات روحانیون انجامد. با این توضیح، مسئله اصلی تحقیق پیش‌رو این است که با چه مبنایی می‌توان در صورت اشتباه مبلغین، ضمانت‌هایی برای جبران خسارت قرار داد؟ همچنین در چه شرایطی می‌توان علیه فردی که در رساندن آموزه‌های دینی به مخاطبان دچار خطا شده، خاطی را مسئول دانست و علیه او اقامه دعوا کرد؟ با ضرورت دانستن مطالعه در این زمینه، بنای پژوهش بر آن است که با مذاقه در منابع معتبر به بررسی دقیق فرایند تبلیغ که همانند یک مثلث سه ضلعی است که یک ضلع آن پیام و احکام دینی و ضلع دیگر فرستنده و ضلع سوم هم مخاطب است، پرداخته و جایگاه مبلغین و ضمانت‌ها و مسئولیت‌های قابل توجیه در این خصوص را مورد کنکاش قرار داده و ملاک و ضابطه جامعی از فقه و حقوق اسلامی ارائه داد که بر مبنای قواعد فقهی از جمله قاعده لاضرر و تسبیب قابل انطباق و بررسی است.

۲. پیشینه پژوهش

با بررسی پیشینه پژوهش، اگرچه تحقیقاتی مانند؛ «مسئولیت مدنی مبلغان دینی در بیان نادرست احکام منجر به خسارات مالی» از خزائی (۱۴۰۴)، «شکاف بین قول و فعل مبلغان و مربیان دینی در تبلیغ دین» از حاجی‌پور (۱۳۹۴) نزدیک به موضوع

تحقیق صورت گرفته، اما هیچ یک بصورت کامل و مشخص به ذکر مقوله اشتباه در بیان و تبلیغ و نحوه جبران خسارت بویژه در حوزه معنوی نپرداخته اند.

۳. ماهیت و آثار وضعی اشتباه مبلغین

اشتباه مصدر از شبه و در لغت به معنای سهو و پوشیده ماندن (جوهری، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۲۲۳۶)، اختلاط درستی و نادرستی و عدم تمییز بین آن دو است (حمیری، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۳۳۵۸). در فقه، اشتباه و خطا به یک معنا استعمال می شود و دو گونه کاربرد دارد: الف) عدم اعتبار قصد در ارتکاب فعل و علم و آگاهی او به تعدی یا تفریط آمیز بودن فعل (مراغی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۴۵۰). ب). عدم اعتبار قصد در ارتکاب فعل و نتیجه آن. به عنوان مثال اصطلاح خطای محض که در باب دیات به رفتار سهوآمیز، غیر عمد و اشتباه مخطی اشاره می کند. (عاملی، ۱۴۱۳، ج ۱۵، ص ۳۱۶). تفاوت دو مفهوم در این است که خطا در مورد اول متعلق به کار نادرست، قبیح و کوتاهی، اما در صورت دوم خطا به رفتار سهو و غیر عمد تعلق می گیرد. لذا آنچه که در این مقاله مورد توجه قرار می گیرد، مفهوم اول خطا که آن را معادل تقصیر می دانند.

البته باید گفت که خطا و اشتباه سه قسم است. اول آنکه کاری ناشایست از روی عمد و بی اعتنائی انجام شود که اینگونه خطا مسئولیت آور و مورد بازخواست است. دوم آنکه کار شایسته ای اراده شود ولی خلاف آن واقع گردد. مثل آنکه فردی می خواست پرنده ای شکار کند، اشتبهاً انسانی را کشت. این خطا قابل عفو و غیر مسئول است و فاعل آنرا مخطیء گویند نه خاطی. سوم آنکه فرد کار خلافی اراده کند ولی اشتبهاً کار خوبی را انجام دهد. اینگونه شخص در باره اراده اش مذموم بوده و درباره فعلش نیز ممدوح نیست. لذا به نظر می آید که مراد از اشتباه در بیان احکام شق اول خطاست که مراد خطای مسئول است، زیرا این نوع از خطا فعلی ناشایست و زیانبار است که از روی بی اعتنائی، غفلت از مبلغین سر زده است. و اما اشتباه در بیان احکام دینی دو نوع است: گاهی برداشت غلط از دین و احکام که برخی از افراد حتی کسانی که دغدغه رعایت احکام دین را دارند از احکام فقهی برداشتهایی غلط دارند و ناخواسته وظایف خود را به گونه ای انجام می دهند که مطابق با نظر مراجع تقلید نیست و متفاوت با آن چیزهایی که در کتب فقهی بیان شده است. اما گاهی برداشت غلط و سوء فهم

در استنتاج از منابع شناخت دین دچار گمراهی شده و مرام و مذهب جدیدی را بدعت گذارده‌اند و با فراخواندن مردم به مرام و مذهب خویش و گمراه کردن آنان فتنه‌ای را در جامعه اسلامی به پا می‌کنند، ولی خود به موازین اسلامی پایبندند و مردم را نیز به قیام علیه امام دعوت نمی‌کنند. با چنین فرضی عنوان باغی بر آنها صدق نخواهد کرد. این گروه که عنوان مبتدع بر آنها اطلاق می‌شود و حکومت اسلامی با آنان به دو طریق مبارزه خواهد کرد: نخست از طریق منطق و استدلال و ارشاد و توجیه و بحث و پاسخ به شبهات و ادامه اشتباهات، و دوم به شیوه سیاسی و افشاگرانه به منظور خنثی نمودن آثار منفی دعوت آنان در میان مردم (عمید زنجانی، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۳۳۴). امروزه در جامعه گاهی برداشت غلطی از احکام فقهی و دین شاهد هستیم که نه تنها زمینه مشقت بلکه زمینه اشتباه افتادن دیگران را هم فراهم می‌کنند. به عبارتی گاهی ضعف علمی مبلغین اثر منفی در اعتقادات مردم دارد؛ زیرا آنان اجتهاد به معنای مصطلح ندارند و ممکن است در پاره‌ای موارد در اصول و یا فروع دچار اشتباه شوند. البته ذکر نکته‌ای که مهم است اینکه معیار و ملاک فهم احکام شرعی، برداشت و قضاوت عرف می‌باشد؛ چون خطاب متوجه آنهاست. این شیوه، روش درست در فهم دلالت‌ها می‌باشد که از آن به «رویکرد عرفی در فهم احکام» تعبیر می‌شود (جمعی از مؤلفان، ۱۴۵ / ۲۶۷). غفلت از این نکته و اعتقاد به خلاف آن منجر به سوءفهم و اشتباهاتی در احکام دینی و احکام شرعی می‌شود. بنابراین رساندن واقعیت به مخاطب در معنای ابلاغ لحاظ شده است. رعایت حقیقت‌محوری یکی از مؤلفه‌ها و شاخص‌های نظام تبلیغ دینی است. همان‌طور که خداوند اشاره می‌کند «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» (مائده / ۶۷). اکنون با تبیین ماهیت اشتباه در موضوع نوشتار، باید بگوییم که از جهت آثار وضعی اشتباه در احراز واقعیت، نتیجه عملکرد مبلغان دو دسته است:

۱.۳. پدیدار شدن ضرر مادی

در ایجاد مسئولیت مدنی بطور عام، علی القاعده باید رابطه‌ای تحت عنوان سببیت وجود داشته باشد و منظور از رابطه سببیت بیان رابطه‌ای است که بین عامل زیان و

زیان وارده برقرار می‌شود بگونه‌ای که اگر نبود، زیان اتفاق نمی‌افتاد. (کلانتری و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۴۱۵). با این توضیح، بدنبال اشتباه مبلغ دینی، گاهی به مخاطبین ضرر مادی وارد می‌شود که عبارت است از خساراتی که به بدن شخص یا دارایی او وارد شده باشد مانند جراحی و وارد کردن (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸، ص ۲۶۲) و در حقیقت به وارد شدن خسارات مالی و بدنی گویند. این ضرر ممکن است مستقیم باشد بدین صورت که بین آن و فعل منشاء ضرر رابطه علیت وجود دارد و دادرس حکم به جبران آن می‌دهد. یا غیر مستقیم بدین نحوه که ضرری که بین آن و فعل منشاء ضرر رابطه علیت محرز و محسوس نیست، و دادگاه حکم به جبران آن نمی‌دهد. (همان، ص ۴۱۶). به عنوان نمونه، قمه‌زنی از آداب عزاداری برخی شیعیان است. برخی علمای شیعه بر انجام آن موافقند و در استفتاءات آیت الله تبریزی آمده است: عزاداری حضرت سید الشهداء علیه السلام به هر صورتی که عنوان جزع بر آن منطبق شود از مستحبات است و مطلوبیت شرعی دارد، و قمه زدن فی نفسه مانعی ندارد (جعفری، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۴۵۵) برخی نیز قمه زدن را ذاتا حرام نمی‌دانند و می‌گویند اگر برای شخص قمه زنده ضرر قابل توجه داشته باشد یا در شرایط خاصی موجب وهن مذهب باید آن را ترک کرد (منتظری، بی تا، ج ۳، ص ۴۹۹). در حالی که بسیاری از فقیهان قمه‌زنی را با توجه به قاعده حرمت اضرار به نفس و بدعت حرام می‌دانند و می‌گویند شیعیان از آن خودداری کنند. (موحدی لنگرانی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۵۸۲). اگر چه قمه زنی جزء احکام شرعی نیست اما در این باب، عملکرد مبلغ دینی بسیار حائز اهمیت است و بارها در منابع شنیده شده که برخی آن را برای مردم به شکلی زاید الوصف توصیف کرده و با این اشتباه، ضررهای مادی بسیاری به مخاطبین وارد شده است.

۲.۳. پدیدار شدن زیان معنوی

به عکس مطلب قبلی، در پرتو اشتباه مبلغ دینی، گاهی به مخاطبین ضرر معنوی وارد می‌شود. گفته شده: «زیانی که به شخصیت، عواطف یا حیثیت تجاری انسان وارد می‌شود و اعتبار او را خدشه‌دار می‌سازد»، خسارت معنوی است (حسینی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۸۳). در تعریفی دیگر، ورود هرگونه نقص به آبرو، جان و هر بعدی از ابعاد وجودی شخصیت، ضرر معنوی محسوب می‌شود (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۰،

ج ۱، ص ۲۱). همچنین آمده است: ضرری که به مال شخص وارد نمی‌شود بلکه ضرری است که در مقابل ضرر مادی است به مصالح غیر مالی شخص وارد می‌آید (سنهوری، بی تا، ج ۱، ص ۸۶۴) یا برخی از حقوق دانان در این زمینه می‌نویسند: ضرر معنوی، زیانی است که به حیثیت، آبرو و عواطف و احساسات اشخاص وارد شده باشد. تجاوز به حقوق غیر مالی انسان و لطمه زدن به احساسات دوستی، خانوادگی، مذهبی و درد و رنجی که در اثر حادثه‌ای ایجاد می‌شود و این موارد امروزه می‌تواند مجوز مطالبه خسارت معنوی باشد (صفایی، ۱۳۵۵، ص ۴۰) در آموزه های فقهی و و احکام حقوقی می‌توان حقوق معنوی بسیاری را شناسایی نمود. یکی از این مصادیق ضرر معنوی، می‌توان به حق دانستن صحیح احکام و مسائل دینی برای عموم مردم از سوی مبلغین می‌باشد. مثلاً زیارت اماکن متبرکه ایجاد یک ارتباط قلبی با مزور است و مع الاسف بسیاری از مردم در پرتو آفتاب اشتباه برخی مبلغین، زیارت را مساوی با رساندن خود به ضریح و دست کشیدن و بوسیدن می‌دانند. و یا برخی از مردم در اثر اشتباه در تبیین معنای غیبت توسط مبلغ دینی، فکر می‌کنند غیبت بچه نابالغ که خوب و بد را می‌فهمد اشکال ندارد. در حالی که غیبت بچه ممیز جایز نیست. (موسوی خمینی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۶۲۰). بسیاری باورهای از این قبیل در جامعه وجود دارد که گاهی مبلغین جدا از خدمات ارزشمندی که داشتند، به دلیل اطلاعات کم و گاهاً اشتباه در مسائل فقهی دچار اشکالاتی می‌شوند و در نقل فتوای مجتهد خطا می‌کنند و یا گاهی به باورهای غلط مردم دامن می‌زنند و دیدگاه نادرستی را در زمینه دینی خلق می‌کنند.

در نظام حقوقی ایران ضرر معنوی قابل جبران است. قانونگذار در ماده ۹ آیین دادرسی کیفری و مواد ۱، ۲، ۸ و ۱۰ قانون مدنی و همچنین اصل ۱۷۱ قانون اساسی امکان مطالبه ضرر و زیان معنوی مورد تأیید قرار گرفته است. به عنوان مثال در ماده ۱ قانون مدنی مقرر شده است: هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان و... یا به هر حق دیگر لطمه وارد نماید که موجب ضرر مادی و معنوی شود، مسئول جبران خسارت ناشی از آن خواهد بود. بنابراین ضرر اعم از این که به صورت مادی و معنوی باشد، ظلم است و از آنجا که عقل ظلم را قبیح می‌داند و رفع ظلم را

نیکو و پسندیده می‌داند، جبران آن به هر طریق ممکن نزد عقل پسندیده است به بیان دیگر عقل حکم می‌کند، خسارت باید جبران شود، همان‌طور که بعضی از فقها ضرر معنوی را پذیرفته و در این مورد معتقدند که ضرر فقط به مال و جان انصراف نداشته بلکه شامل امور معنوی می‌شود (نیک فرجام، ۱۳۹۲، ص ۱۱۸).

۴. تحلیل مسئولیت مدنی مبلغین بر مبنای فقه

تعیین مبنای مسئولیت مدنی در فقه امامیه سابقه‌ای بسیار طولانی دارد و تعیین محور و مبنای مسئولیت مدنی، نقش مهمی در تبیین عناصر و رویکردهای پیرامون آن دارد. در شناخت ماهیت مسئولیت مدنی، نگرش‌های متفاوتی وجود دارد و آنچه بیشتر به تبیین بحث کمک می‌کند، بیان عمق مسئولیت از جهت تشخیص مسئول و آثاری است که بر آن حمل می‌شود. در محافل حقوقی غرب تاکنون نظریات مختلفی در خصوص اثبات مسئولیت مدنی مطرح شده که قاعده مسئولیت محض، قاعده تقصیر، قاعده ایجاد خطر، و قاعده مسئولیت مطلق مهم‌ترین نظریات مطرح شده محسوب می‌شوند و حقوقدانان نیز به صورت از این تقسیم بندی تبعیت میکنند؛ اما در کنار این تقسیم بندی، در فقه از قواعد لاضرر، اتلاف و تسبیب سخن به میان آمده که امروزه به جرأت می‌توان ادعا نمود بهترین جایگزین برای نظریه تقصیر هستند که حتی برخی با اغماض بجای این دو قاعده، از نظریه‌ای تحت عنوان قاعده انتساب یاد میکنند. البته برخی عقیده دارند «در واقع به جای نظریه تقصیر، امروزه باید از قاعده انتساب یا استناد سخن گفت که مبنای کاملاً فقهی و شرعی دارد و مقتبس از مبانی فکری غربی نیست. بر اساس این نظریه به طور کلی در همه انواع تسبیب در حقوق اسلامی، تقصیر از ارکان مسئولیت نیست؛ بلکه آنچه اهمیت دارد، وجود رابطه عرفی میان کار مسبب و ورود زیان به دیگری است؛ به دیگر سخن از میان دو نظریه‌ای که در حقوق غرب در مورد مبنای مسئولیت مطرح است، یعنی نظریه تقصیر و نظریه خطر می‌توان حقوق اسلامی را به نظریه خطر معتقد دانست و آنچه در این نظام حقوقی برای مسئولیت، کافی معرفی میشود، انتساب و استناد فعل زیان بار به شخص زیان‌زننده است و عنصر تقصیر فقط در جایی می‌تواند نقش داشته باشد که موجب تحقق عنصر استناد و انتساب باشد؛ هر جایی احراز استناد

نیازی به تقصیر نداشته باشد، وجود تقصیر لزومی ندارد.» (محقق داماد و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۰۳)

۱.۴. مسئولیت مدنی عملکرد اشتباه مبلغین بر مبنای قاعده لاضرر

قاعده لاضرر حاکی از خط مشی کلی در تشریح احکام اولیه است و در مقام بیان حکم تکلیفی و وضعی بر مبنای نهی مردم از اضرار به یکدیگر، در تمام شئون جامعه جاری است. قاعده لاضرر علاوه بر مقام منع و باز دارندگی، در مقام اثبات هم جریان دارد، و یکی از مواردی که به طور مستقیم در فقه از آن بحثی به میان نیامده است ولی می توان با رجوع به این قاعده حکم لزوم جبران خسارت را به آن تسری داد، مسئولیت مدنی مبلغین دینی در صورت اشتباه و خطا در بیان احکام دینی می باشد. برخی آورده اند قاعده ی نفی ضرر مبنای متین و اساسی برای مسئولیت مدنی است و می تواند وسیله ای مناسب برای پاسخ گویی به نیازهای جدید و روزافزون جامعه در راه حل های سازنده برای مسئولیت مدنی باشد (مقامی نیا، ۱۳۹۷، ص ۴۱۹) و برخی از اساتید بزرگ و صاحب نام حقوق مدنی ایران نیز نظر مشابهی دارد. (صفایی، ۱۳۵۵، ص ۳۴۸). برخی در باب ایجاد مسئولیت ناشی از اضرار به غیر و تاثیر پذیری ضمان از قاعده لاضرر به تصریح عقیده دارند مسئولیت مدنی آن است که اگر شخصی به دیگری خسارت وارد کند آن شخص موظف به جبران خسارت دیگری باشد و در برابر او مسئولیت مدنی دارد و ضامن است. هر عقل سالم می داند که هر کس به دیگری ضرر بزند، باید آن را جبران کند، مگر در مواردی که ورود ضرر به دیگری، به موجب قانون باشد و قانون اجازه آن را داده باشد. (باقری و دیگران، ۱۳۹۹، ص ۱) در بررسی محدوده قاعده لاضرر، حکم ضرری از جانب شارع وضع نمی گردد به گونه ای که هر حکم زیانبار برای دیگران و از آن جمله جایز بودن زیان رساندن را بر می دارد (نراقی، ۱۴۲۲، ص ۲۷۲). نکته قابل ذکر این است که شارع در مقام نفی حکم است و هر حکم ضرری را برداشته است. حال این احکام گاهی وجودی هستند مانند، وضوی ضرری و گاهی احکام عدمی هستند مانند، حکم شارع به عدم ضمان و مسئولیت. بنابراین وقتی عدم ضمان حکم شارع است که در بعضی موارد موجب ضرر است طبق قاعده لاضرر برداشته می شود یعنی نفی براءت می کند. لذا ضمان ثابت

می‌شود (مرعشی شوشتری، ۱۵۴ / ۲). اکنون برای تحقق مسئولیت مدنی مبلغین، وجود سه عنصر ضرورت دارد: ۱- اثبات ضرر؛ ۲- ارتکاب فعل زیانبار؛ ۳- رابطه سببیت بین فعل شخص و ضرری که وارد شده است. ضرری که به شخص می‌رسد، ممکن است در اثر از بین رفتن مالی (اعم از عین یا منفعت یا حق) یا در نتیجه از دست دادن منفعتی باشد (موسوی بجنوردی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۲۰۳). با این توضیح، اگر مبلغ در بیان احکام دچار اشتباه شود و بدین واسطه به افراد، ضرر و خسارتی وارد شود، مبلغ باید خسارت را جبران کند. اما نکته اساسی این است که در اغلب موارد ضرر و خسارتی که از جانب مبلغ وارد می‌شود، معنوی است؛ مثلاً، اشتباه در احکام نماز که فردی سال‌ها مطابق با بیان مبلغ، نماز یا وضو را اشتباه انجام داده است. با توجه به این که در مراجع قضایی مواد قانونی که این گونه خسارت معنوی را بتوان مطالبه نمود، موجود نیست، به نظر می‌رسد که عدالت نمی‌تواند آنها را بدون جبران پندارد. البته بنابر ماده ۱ قانون مدنی اشاره‌ای گذرا به خسارت معنوی شده است؛ بدین صورت که هر کس بدون مجوز قانون عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان، سلامتی، مال، آزادی، حیثیت، شهرت تجارتي و یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده، لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد. حال سوال این است که آیا ضرر معنوی که مبلغ دینی وارد کرده، قابل جبران است؟ جبران خسارت به معنای زدودن همه آثار آن نیست؛ زیرا در ضررهای مادی نیز دادن پول همیشه نمی‌تواند آنچه را زیان‌دیده از دست داده است، به او بازگرداند. آیا دادن پول نیروی کار کردن را به کسی که پاهایش بریده شده بازمی‌گرداند یا پرنده‌ای را که کشته شده، زنده می‌کند و یا تابلوی نقاشی پاره شده را دوباره می‌سازد؟ هدف از دادن خسارت این است که وسیله معادلی در اختیار زیان‌دیده قرار گیرد، وسیله‌ای که بتواند او را خوش‌حال سازد و جایگزین مال از دست رفته شود. همان‌گونه که با پول در امور مادی می‌توان معادلی برای مال تلف شده پیدا کرد، تأمین خرسندی‌های معنوی نیز امکان دارد. البته این خرسندی‌ها قادر نیستند اندوه و ناراحتی را به کلی از بین ببرند، ولی همین اندازه که آرام روحی را تسکین دهد، کافی است (طاهری، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۳۵۰). البته برخی از فقیهان در رابطه با جبران خسارت معنوی چنین گفته‌اند: قاعده لاضرر یک قانون

حکومتی است، گذشته از این خسارات معنوی با تعزیر و به نظر حاکم شرع جبران می‌شود (موحدی لنکرانی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۴۵۵). بنابراین جبران خسارت از ملزومات قاعده نفی ضرر است. اما نکته قابل اشاره این است که آیا در فقه روش‌های جبران خسارت شناخته شده و قابل اجرا است؟ در فقه شیعه محدوده ضرر موکول به نظر عرف است بدین صورت که ضرر به نسبت اشخاص فرق می‌کند و بعد از این که عرفاً ضرر صدق پیدا کرد، کمی و زیادی ضرر تفاوتی نمی‌کند (نراقی، ۱۴۱۷، ص ۵۷). از این رو می‌توان در تعالیم دینی و آموزه‌های فقهی حقوق معنوی بسیاری را شناسایی نمود که مسئولیت عملکرد اشتباه مبلغین در بیان احکام دینی از جمله این حقوق به‌شمار می‌آید؛ زیرا این امتیاز و حق به تأیید شارع هم رسیده است با توجه به آیه قرآن که می‌فرماید: فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (نحل / ۴۳). در رابطه با هر موضوعی که نسبت به آن بی‌اطلاع هستید، به صاحبان آن علم مراجعه کنید. این ارجاع به اهل علم، خود نوعی مسئولیت را در صورت ضرر و اشتباه به دنبال دارد و هم یک نوع حق برای افرادی که نسبت به علومی ناآگاهند و به مبلغان اعتماد کردند، محسوب می‌شود.

۲.۴. مسئولیت مدنی عملکرد اشتباه مبلغین بر مبنای قاعده تسبیب

مطابق با این قاعده سه مقدمه در مورد عملکرد اشتباه مبلغین وجود دارد:

مقدمه اول: واضح است که اگر کسی فتوا و حکم دینی را به اشتباه نقل کند، این در واقع موجب شده است که آن شخص مرتکب حرام بشود یا واجب را ترک کند؛ یعنی عمل حرام از او صادر شود. پس وجه وقوع این شخص در حرام این است که به واسطه نقل اشتباهی یک فتوی به وظیفه خودش که ملزم به انجام آن بوده، عمل نکرده است. مثلاً باید گوشت فلان حیوان را نمی‌خورده به اعتبار اینکه مثلاً مکروه است آن لحم را خورده و حرام مرتکب شده است. پس در اینکه نقل فتوی موجب حرام و سبب وقوع در حرام است، شکی نیست.

مقدمه دوم: اما مقدمه دوم که تسبیب الی الحرام، حرام است. بدان جهت است که عمل حرام به طور کلی مبعوض شارع است. اصلاً شارع دوست ندارد، حرامی در عالم

هستی واقع شود، نفس وقوع حرام مورد بغض شارع است، حال چه این حرام مستقیماً توسط کسی واقع شود و یا به تسبیب عمل حرام انجام شود. حرمت تسبیب الی الحرام هم نقلاً و عقلاً ثابت شده است (موسوی خویی، ۱۴۱۸، ص ۲۴۹).

مقدمه سوم: بعد از اینکه فی الجمله ثابت شد که نقل فتوی و حکم دینی اشتباهاً حرام است. البته فرض این است که این شخص غافل است و علم به اشتباه ندارد اما به محض اینکه متوجه این خطا و اشتباه شد باید او را از این غفلت در بیاورد و به او اعلام کند. پس اعلام واجب می‌شود. لذا ترک اعلام، تسبیب الی الحرام است و تسبیب الی الحرام هم حرام است آنگاه نتیجه این می‌شود که ترک اعلام حرام است. البته در رابطه با وجوب اعلام در میان فقها سه فرض وجود دارد:

۱. اعلام مطلقاً واجب است؛ بدین صورت که چه مبلغ و ناقل حکم الزامی را اشتباه به نحو غیر الزامی بیان کند، مثلاً وجوب را به نحو استحباب بیان کند و چه حکم غیر الزامی را به صورت الزامی بیان کند مثلاً مکروه را به صورت حرام اعلام کند. در هر صورت اعلام واجب است.

۲. وجوب اعلام مختص به یک صورت خاص می‌باشد و اعلام فقط در صورتی واجب است که حکم الزامی را خطأً به نحو غیر الزام بیان کند.

۳. اعلام مطلقاً خواه در احکام الزامیه و خواه در احکام غیر الزامی واجب نیست.

مطابق با دیدگاه اول، گروهی از فقها معتقدند که اعلام اشتباه در بیان احکام مطلقاً خواه در احکام الزامی و احکام غیر الزامی واجب است و عدم اعلام خطا را مصداق اغراء بالجهل (پنهان کردن حقیقت و اظهار به ندانستن خلاف واقع) و از انواع ظلم می‌دانند (کاشف الغطاء، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۲۷۵؛ علوی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۲۶۳). البته اعلام را به قدر توانایی و امکان جایز می‌دانند و اعلام زائد بر امکان را صحیح نمی‌دانند؛ زیرا موجب عسر و حرج می‌شود (کاشف الغطاء، ۱۳۸۱، ص ۲۷۰). اشتها ردی تصریح کردند: ابقاء در اشتباه، اغراء است و آن را داخل در قاعده وجوب ارشاد گمراه می‌دانند. ملاک اصل حکم است. لذا مبلغ یا ناقل بعد از آنکه متوجه شد که حکم شرعی را اشتباه بیان کرده، اعلام آن به مکلفین واجب است؛ خواه در احکام الزامی یا احکام غیر

الزامی (اشتهداری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۸۲). به عبارتی مبلغ به منزله راوی حدیث خبر از حکم و احکام شرعی می‌دهد نه خبر از موضوعات. به همین دلیل ابقاء بر اشتباه و خطا مصداق اغراء به جهل است (مرعشی نجفی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۲۶۳). بعضی از فقها وجوهی را تحت عنوان ادله فقها برای وجوب اعلام در همه احکام شرعی عنوان می‌کنند:

وجه اول، ترک اعلام به منزله حکمی که خداوند نازل نکرده و مبعوض شارع است. وجه دوم، اختصاص اعلام به حکم الزامی باعث گمراهی می‌شود. همان‌گونه که فتوی به حرمت نماز شب جایز نیست، در صورت خطا در فتوی و نقل اعلام واجب می‌شود. وجه سوم، مطابق با حدیث معروف در باب صفات قاضی است که قضات را به چهار دسته تقسیم کرده و تنها قاضی که قضاوت به حق کند، وارد بهشت می‌شود. و اگر به حق داوری نکند، جایگاهش آتش است. همانطور در مسأله تبلیغ و نقل حکم دینی فتوی به حکم باطل داده است، خواه احکام الزامی و یا احکام غیر الزامی؛ از آنجا که ملاک و مناط در هر دو مسأله یکی است هر دو راه و طریق به سوی حکم الهی هستند. وجه چهارم، احادیثی مربوط به ضمان مفتی از جمله فرمایش امام صادق علیه السلام: «كُلُّ مُفْتٍ ضَامِنٌ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۱۰). آنچه که از این حدیث استنا می‌شود، مدت غفلت، خطا و اشتباه است اما ما بعد غفلت و خطا همچنان شامل ضمان می‌شود. وجه پنجم، ترک اعلام، سبب و موجب تغییر حکم الهی است. آنچنان که متعارف است کسی که احکام را می‌آموزد، آن را به دیگران آموزش دهد، حداقل این که حکم را انتقال دهد. لذا همچنان که تسبیب ابتدائی حرام است، تسبیب استمراری هم حرام می‌باشد. وجه ششم، ادله امر به معروف و نهی از منکر همه مصادیق مذکور را شامل می‌شود. وجه هفتم، ادله‌ای که دلالت بر وجوب تبلیغ احکام می‌کند، همان نیز دلالت بر رفع اشتباه حکم می‌کند، خواه آن کسی که اشتباه کرده است مفتی، مبلغ یا ناقل باشد (حسینی شیرازی، ۱۴۲۶، ص ۱۸۵-۱۸۱).

آیت الله گلپایگانی در این خصوص معتقدند: شخص مبلغ که واجب را حرام یا حرام را واجب و یا مباحی را واجب و بالعکس بیان کند، اعلام در هر صورت برای خروج از ضمان واجب است. ایشان در ادامه می‌فرمایند که بر حسب مفاهیم عرفی از دلیل

وجوب محبوبیت وقوع، واجب و از دلیل تحریم مبعوضیت، حرام استفاده می‌شود؛ خواه به طور مستقیم یا به واسطه باشد (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۱۸۶). بنابراین اگر کسی فتوای مجتهدی را به شخص دیگری بگوید و بعد از گفتن فتوا بفهمد اشتباه کرده است و گفته او موجب آن می‌شود که آن شخص به خلاف وظیفه شرعی‌اش عمل کند، باید بنا بر احتیاط لازم اشتباه را برطرف کند (موسوی خوئی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۹؛ شبیری، ۱۴۳۰، ص ۱۰) و حتی بعضی از فقها نحوه جبران اشتباه را این‌گونه بیان می‌کنند که مبلغ یا ناقل فتوی که اشتباه کرده باید بعد از اطلاع صحیح آن را بگوید، و اگر در منبر و سخنرانی گفته باید آن را در جلسات مختلف تکرار کند تا کسانی که به اشتباه افتاده‌اند از اشتباه درآیند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ص ۲۱). در خصوص کیفیت اعلام خطای مبلغین برخی تفصیل قائل شده‌اند و معتقدند: اگر اعلام به نحو متعارف به عامه مردم برسد، اعلام واجب است یا به هر فردی که حکم خلاف واقع به او رسیده است. بعید به نظر نمی‌رسد که اعلام واجب باشد؛ زیرا ترک اعلام، خلاف مقصود شارع است و موجب سختی مکلف خواهد شد. و همچنین ادله وجوب تبلیغ احکام اختصاص به احکام الزامی ندارد بلکه شامل احکام غیر الزامی یا ترخیصی هم می‌شود (موحدی لنگرانی، ۱۴۱۴، ص ۲۸۹). بنابراین طبق این دیدگاه مبلغ در صورت اشتباه در بیان احکام، علت تامة صدور فعل از مکلف است و اعلام در هر صورت واجب می‌باشد. عده‌ای دیگر از فقها مطابق با آیه نفر و آیه کتمان معتقدند که این آیات دال بر وجوب تبلیغ احکام شرعی در احکام الزامیه است و نسبت به احکام غیر الزامی اعلام لازم نیست، نه اینکه رجحان نداشته باشد، واجب نیست؛ زیرا در ترک آن مفسده‌ای وجود ندارد. در حقیقت وجوب تعلیم به فرد جاهل، به لحاظ رعایت مصلحت و مفسده واقعی وجوب طریقی است. لذا بر جاهل تعلیم حکم غیر الزامی، واجب نیست (موسوی خوئی، ۱۴۱۱، ص ۲۵۱؛ طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۷۵؛ آملی، ۱۳۹۵، ج ۵، ص ۳۶).

پس این ادله وجوب تبلیغ احکام، وجوب اعلام ناقل را مختص احکام الزامیه می‌کند. به عبارتی وجوب اعلام خطا نسبت به مجموع احکام نیست بلکه نسبت به بعضی احکام اتفاق می‌افتد. البته در این گروه هم بعضی از فقها در ابتدا وجوب اعلام در

احکام غیر الزامی را واجب نمی‌دانند. اما در صورتی که ترک اعلام در احکام غیر الزامی منجر به عدم اعتماد مردم به مبلغین و وقوع ضرر و حرج شود، اعلام آن واجب می‌شود (تبریزی، ۱۴۲۶، ص ۱۲۱). برخی از فقهای این دیدگاه، تفصیل در باب وجوب اعلام را از جهت ترتب اثر مطرح کرده‌اند نه از باب احکام الزامی و غیر الزامی. بدین صورت که چنانچه به نقل مبلغ ترتیب اثر داده شود، اعلام واجب است اما در صورت عدم ترتب اثر، اعلام واجب نیست. با این استدلال که علم مبلغ مقدمه‌ای برای عمل یا سبب عمل باشد که تنها در صورت دوم، اعلام خطا واجب است (حسینی شیرازی، ۱۴۲۶، ج ۴، ص ۱۸۵). بنابراین می‌توان گفت مطابق این نظر خطای مبلغ علت ناقصه و مقتضی ارتکاب فعل است.

اما بعضی دیگر اعلام را مطلقاً خواه در احکام الزامیه و خواه در احکام غیر الزامیه واجب نمی‌دانند. بدین صورت که اگر مبلغ و ناقل فتوا در جهت بیان احکام دچار خطا شود، اعلام صحیح بیان احکام واجب نیست. این عده به چند ادله استناد می‌کنند: ۱. اصل براءت ۲. سیره مستمره عقلا بر ترک اعلام و عدم ثبوت آن ۳. حرج و ضرری که وجوب اعلام به دنبال دارد، در شرع نفی شده است (نجفی اصفهانی، بی تا، ص ۴۸۹؛ طباطبایی حائری، ۱۲۹۶، ص ۵۸۱). شیخ انصاری فایده اعلام را تنها آگاه‌سازی شخص جاهل می‌داند و آن را ذاتاً واجب نمی‌داند. البته در مواردی که انتفاع غالب آن حرام باشد، به گونه‌ای که اگر اعلام صورت نگیرد، عادتاً وقوع در حرام معلوم است. ایشان در ادامه چهار حالت را برای عمل ناقل فتوا و مبلغ بر می‌شمرد: ۱. فعل، علت تامه وقوع حرام ۲. فعل، سبب وقوع حرام ۳. فعل شرطی برای ارتکاب حرام ۴. فعل، از قبیل عدم مانع برای وقوع حرام. در این حالت گاهی فعل به نسبت فاعل حرام است. مانند سکوت شخص در منع از معصیت. و گاهی فعل نسبت به فاعل حرام نیست؛ مثل سکوت عالم از اعلام خطا و اشتباه در بیان حکم. بنابراین ایشان اعلام را فی نفسه، واجب نمی‌دانند اما ردع و منع را واجب می‌دانند؛ زیرا اشتباه مبلغ سبب وقوع حرام نیست بلکه از قبیل عدم مانع است (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۷۳-۷۶). لذا مبنی بر این نظریه خطای مبلغ از باب عدم مانع برای ارتکاب حرام است.

با توجه به مقدمات و مجموع دیدگاه مطرح شده در این گفتار، قول اول قوی‌تر به نظر می‌رسد؛ زیرا چنانچه مبلغ در نقل فتوای مجتهد خطا کند، اعلام آن به کسی که از او فرا گرفته واجب است؛ چرا که تعلیم احکام شرعی و حفظ از نابودی آن واجب است و بیان احکام به هر نحو ممکن از سوی مبلغ خواه تحریمی، وجوبی، مستحبی و مکروهی محقق می‌شود. لذا در ارتکاب اشتباه، اعلام نوعی جبران ضرر می‌باشد و به همین دلیل فقها حکم به این دادند که بر مبلغ واجب است تا شنونده را از آن آگاه نماید. بنابراین می‌توان گفت که بر اساس قاعده تسبیب رکن اصلی در ترک اعلام (فعل) تقصیر است که موجب مسئولیت می‌گردد؛ زیرا شخص مبلغ مکلف و موظف به اعلام خطا و اشتباه بیان خود است و در صورت ترک آن به عنوان تقصیر محسوب می‌گردد. به عبارتی مفهوم تقصیر در تسبیب نهفته است؛ چرا که همان‌طور که از کلمه تقصیر فهمیده می‌شود، آن عبارت است از رفتار نمودن آن گونه که باید رفتار شود، یعنی انجام ندادن امری که باید انجام داده شود و یا خودداری نمودن از امری که باید خودداری گردد (امامی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۳۹۰). لذا تعهد و مسئولیتی که بر ذمه مبلغین است اگر چه به عنوان عقد مطرح نمی‌باشد، اما این تعهد در امور معنوی هم محقق است به گونه‌ای که صرف تعلق التزام و تعهد به متعلق خود یا به کسی که طرف التزام است، مسئولیت را به همراه دارد.

۵. نوع التزام و مسئولیت مبلغین ناشی از تجمیع دو قاعده اتلاف و تسبیب

یک اصل مهمی که در فقه شیعه همچنان از گذشته تاکنون مطرح می‌شود این است که هیچ‌کس نباید به دیگری ضرری برساند و هیچ‌زبانی نباید جبران ناشده باقی بماند. این اصل، در مسائل مختلف سودمند بوده و چنان که خسارت متضرر باید جبران شود؛ خواه خسارت ناشی از قرارداد باشد، یا نه. بنابراین مبلغ دینی نمی‌تواند با بیان اشتباه احکام دینی به همنوع خود ضرر وارد کند، وگرنه باید مسئول و پاسخ‌گوی عمل خود باشد. اما التزام مبلغ دینی ناشی از چیست؟

فقهای شیعه چندان به نوع مسئولیت مبلغین نپرداخته‌اند و در عبارات فقها مکرراً واژه مبلغ را با اصطلاح ناقل فتوا و احکام دینی و مسأله‌گو معرفی می‌کنند و مسئولیت آن را در باب اجتهاد و تقلید مورد بررسی قرار دادند که با جمع‌بندی احکام و استفتائات

و مستندات به نظر می‌رسد نوع مسئولیت و ضمان مبلغین در دو بعد علمی و عملی قابل اشاره است:

۵.۱. مسئولیت مدنی ناشی از عدم علم و آگاهی

آگاهی به مسائل دینی و تخصص و مهارت یافتن در بیان آن، شرط تصدی بدان است و مبلغ باید بتواند از روی قرآن و احادیث و روایات مورد اطمینان با حقایق دینی آشنا شود و سپس دیگران را آشنا کند. راهنمایی صحیح دینی از جاهل ساخته نیست، یا به عبارت دیگر بر عالم واجب است که جاهل را در یادگیری مسائل دینی راهنمایی کند و منظور از ارشاد و راهنمایی، تعلیم در احکام و اعلام در موضوعات بوده و به طور کلی به معنای آموزش دادن و مطلع کردن است. لذا عالم بودن مبلغ اولویت دارد و نکته دیگر آنکه مبلغ در جایگاه تبلیغ، ترویج و دعوت‌کنندگی است؛ از این رو باید آگاهی خود را پیرامون علم تبلیغ و دانش ارتباطات افزایش دهد؛ زیرا با تمسک به آموزه‌ها و گزاره‌های سرشار آیات قرآن و روایات معصومین، استمداد از دانش ارتباطی باعث افزایش بصیرت مبلغ می‌گردد (حاجی‌پور، ۱۳۹۴، ص ۱۷).

بنابراین چنانچه مبلغی، بی‌آن‌که از ابلاغ دین چیزی بداند، صرف تصدی او در امور شرعی، موجب مسئولیت می‌شود و ضمان می‌آورد؛ بنابراین از نظر فقها در تصدی نقل فتوای مجتهد و بیان احکام شرعی، اجازه داشتن شرط نیست، ولی کسی که دچار خطا و اشتباه می‌شود، جایز نیست متصدی این کار شود و اگر در موردی اشتباه کرد، چنانچه متوجه اشتباه خود شد، بر او واجب است شنونده را از آن اشتباه آگاه نماید (موسوی خمینی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۳۰). در ادامه این حکم در اجوبه الاستفتائات به نکته‌ای اشاره می‌کنند که بر مستمع جایز نیست تا اطمینان به صحت گفتار گوینده پیدا نکرده، به نقل او عمل کند (حسینی خامنه‌ای، ۱۴۲۴، ص ۶).

همچنین شیخ حر عاملی اذعان می‌کند که علم و آگاهی و تلاش برای رسیدن به آن شرط اصلی تصدی مبلغین احکام شرعی است (حر عاملی، ۱۴۰۳، ص ۲۶۹) تا جایی که فقهای شیعه مجتهد و ناقل را به یک منزله و حکم می‌دانند؛ زیرا هر دو در زمره

مسائل تنبیه غافل و ارشاد جاهل می‌باشند (مرتضوی لنگرودی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۳۰۷). و حتی گاهی نقل و ابلاغ حکم شرعی را به مثابه نقل روایت و حکم از معصوم می‌دانند (اشتهاردی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۸۲). لذا به همین دلیل مبلغین باید با سلاح علم و آگاهی وارد میدان تبلیغ شوند، در غیر اینصورت ضامن خواهند بود.

نکته‌ای که باید به آن اشاره کرد این است که علم دو صورت دارد: ۱. شکل ظاهری که مربوط به لفظ، کتابت و یا مفهوم ذهنی است. ۲. شکل دیگر غایت آن همان توحید است که بر قلب انسان تاثیر می‌گذارد (جوادی آملی، ۱۴۱۵، ص ۸۹). به همین دلیل علم فی نفسه از کمالات نفسانی است اما علم غیر نافع و زیانبخش نکوهیده شده است همان‌طور که در حدیث نبوی از علم غیر نافع نیز نکوهش به عمل آمده تا چه رسد به علم زیانبخش؛ «اللهم اِنِّی اَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا یَنْفَعُ» (مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۸۳، ص ۱۸). البته با این تفاوت که در فقه عدم النفع قابل مطالبه نیست (محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۷۲) اما در مورد ضرر و زیان به واسطه علم قابل مطالبه خواهد بود.

۵. ۲. مسئولیت مدنی ناشی از فعل و عمل

اشتباه در بیان احکام و ضرری که به واسطه آن بر مکلفین وارد می‌شود، منتسب به فعل و قول مبلغین است. در این صورت مبنای اصلی مسئولیت مبلغ تقصیر و کوتاهی او است. لذا در فقه شیعه مسئولیت مبلغ از نوع قهری می‌باشد؛ چرا که یکی از موجبات ضمان قهری تسبیب است.

در حقیقت شارع با توجه به آیه نفر، تبلیغ و ترویج دین و بیان احکام شرعی و رسیدگی به این امور را واجب دانسته و او را مکلف کرده که متکفل امور شرعی بشود و به واسطه تعلیم و تعلم دینی جهل مردم نسبت به این امور برطرف شود؛ هر چند که ابلاغ دین واجب کفایی به‌شمار می‌آید. روشن است که این آیه در مقام قرار دادن یک حجیت تبعیدی برای قول فقیه و بیان مبلغ از گفتار وی بطور مطلق نیست، تا اینکه بتوان در صورت عدم حصول علم و وثوق نیز به اطلاق آن تمسک نمود (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۱۷۶).

بنابراین می‌توان گفت که جواز شرعی رجوع به مبلغ، منافاتی با ضمان در صورت خطا و اشتباه ندارد. در واقع مسئولیت قهری متوقف بر حکم قانون‌گذار است و با توجه به سه رکن اساسی ضمان قهری که پیش از این ذکر شد (فعل زیانبار، ورود ضرر و رابطه سببیت) چنانچه در بیان حکم توسط مبلغ احراز شود، او ضامن خواهد بود؛ زیرا فقهای شیعه بیان ناقل فتوی و مبلغ را طریقی برای رسیدن به حکم مجعول در شریعت می‌دانند و به نوعی خبر از قول شارع و معصومین می‌دهد به همین دلیل موجب وثوق می‌شود (تبریزی، ۱۴۲۵، ج ۵، ص ۲۴۲). لذا در صورت خطا در بیان حکم، مسئولیت مدنی که منوجه او می‌شود، در صورت خسارت مادی علاوه بر جبران خسارت، اظهار حکم و فتوی حقیقی است؛ زیرا از نظر فقها حقیقت کتمان شده و به نوعی کتمان و ترک اعلام آن حرام خواهد بود و جایز نیست.

این مسئولیت و ضمان بر اساس یک رابطه دینی بین مبلغ و مردم عادی ایجاد می‌شود. بنابراین کوچکترین تقصیر از سوی مبلغ ممکن است بیشترین ضرر معنوی و مادی را به دیگران وارد سازد. اما این مسئله واضح است که نمی‌توان از خطای مبلغ پیشگیری کرد؛ حد پذیرفتنی اشتباه مبلغ به گونه‌ای است که در صورت اشتباه و تجاوز از حدود، مسئول و ضامن است.

البته در استفتانات و میان بعضی مراجع در این رابطه بیشتر از ضمان مبلغ، عنوان تصالح را برگزیده‌اند و آن را احوط می‌دانند. از جمله: مبلغ یا روحانی را که بر اثر اشتباه گفتن یک یا چند مسأله خسارت قابل توجهی به کسی زده؛ مثلاً مسائل نماز قضای میّت را اشتباه گفته و شنونده بدان عمل کرده و پس از کشف خلاف، ناگزیر به عمل مجدد شده و از این بابت متحمل خسارت شده است، آن مبلغ و روحانی اگر بدون اطمینان به صحت، جواب قاطع داده باشد، مرتکب معصیت شده ولی ضامن او معلوم نیست و احوط تصالح است (منتظری، بی تا، ص ۱۲۱). همچنین امام خمینی در جواب این سؤال که اگر مبلغ در بیان مسأله حقوقی اشتباه کرد. مثلاً گفت بعضی از اشیاء خمس دارد و کسی که این مسأله را شنیده بود، بدان عمل کرد و خمس داد. سپس معلوم شد که مبلغ اشتباه کرده و شیء مزبور خمس نداشته آیا این گوینده ضامن است یا خیر؟ ایشان در این فرض مسئله‌گو را ضامن نمی‌دانند (موسوی خمینی،

استفتاءات، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۵۴۷). اما به نظر می‌رسد با توجه به ادله و قواعد فقهی که در این رابطه وجود دارد و به آن اشاره شد، ضمان با عنایت به شرایطی بعید نباشد. بنابراین فایده بحث مسئولیت مطلق مدنی مبلغین در مواردی است که با رجوع به قواعد عمومی و استناد به آن‌ها می‌توان مبلغین را در صورت اشتباه در تبیین احکام، ضامن قرار داد، اگرچه در قانون مدنی تا حدودی نسبت به این مسأله دچار ابهام و خدشه است؛ زیرا مسأله خطای مبلغین، مسئله‌ای مهم است که عملکرد اشتباه و ضعف از جانب مبلغ و نهادهای تبلیغاتی، حقیقت محوری را که یکی از مؤلفه‌های تبلیغ دین می‌باشد، زیر سؤال می‌برد.

در روایتی از امام محمد باقر نقل شده که حکم دو گونه است: حکم خدا و حکم جاهلیت. پس هر کسی در حکم خدا خطا کرد، به حکم جاهلیت حکم کرده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۴۰۷). اما نکته‌ای که مهم است این که در روایت و کلام فقها مرز خطا مشخص نیست که آیا عظمت خطای مبلغ به عامدانه بودن یا سهوی بودن خطا مقید شده است یا در بیان مبلغ قصور یا نوعی غفلت و خطا وجود دارد؟

سه ملاک اساسی وجود دارد: معیار اول، علم که یک امر عقلی است. در حقیقت تفسیرهای اشتباهی که گاهی از سوی افراد غیر متخصص انجام می‌شود، گواه بر این است که در عملکرد و بیان مبلغین نوعی غفلت و خطا وجود دارد که در روایات هم از آن نهی شده است. امام صادق می‌فرماید: از دو ویژگی تو را نهی می‌کنم: تو را نهی می‌کنم از اینکه خدا را با امری باطل دین‌داری نمایی و اینکه به مردم فتوایی دهی که آگاهی نداری (همان، ج ۱، ص ۴۲).

ملاک دوم استدلال به مدارک معتبر که مورد تایید شرع و عقل باشد و نباید به منابعی مانند قیاس، استحسان، روایات ضعیف و مانند این‌ها استناد کرد.

ملاک سوم این است که انسان ممکن الخطاست و مبلغین هم از این حکم استثناء نیستند. اما اگر مبلغ روشمند و استوار ابلاغ دین را انجام دهد، خطا و اشتباه به مراتب کمتر و حتی قابل چشم‌پوشی خواهد بود. برای رسیدن به اظهار نظر در احکام دینی دسترسی به توانایی‌هایی است که تنها عده‌ای به آن دست می‌یابند و به همین

دلیل خداوند عده‌ای را جهت تبلیغ دین مسئول می‌داند. لذا مقصود از توانایی این است که با برداشت و اندوخته‌های خود از دین تبلیغ نکند. در واقع بدون استناد به دلائل و شواهد معتبر شرعی همچون محکّمات قرآن و سنت، تفسیر به رأی می‌باشد که حرام است (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۶، ج ۲، ص ۵۶۰). بنابراین با توجه به این سه ملاک مرز خطا در بیان مبلغین مشخص می‌شود که بی‌توجهی، غفلت از این امور و عدم شفاف‌سازی منجر به بی‌اعتمادی مردم و شاهد پیامدهای دیگری از جمله عدم پذیرش مبلغین، سستی اعتقادی و انحراف رفتاری برخی مردم، آسیب به نهاد روحانیت و اختلال به انسجام جامعه اسلامی خواهیم بود. البته مشروط بر آنکه بعضی از مبلغین دینی بپذیرند که تبلیغ احکام و ارزش‌های دینی به مراتب بالاتر از رأی و نظر فقهی یا شخصی آن‌ها است.

۶. تحلیل مسئولیت مدنی مبلغین بر مبنای نظریات حقوقی

در نظام حقوقی، برای حمایت از زیان‌دیده و جبران خسارات وی که مهم‌ترین هدف مسئولیت مدنی است، تکالیف و تدابیری اندیشیده شده است؛ یکی از این تدابیر، گسترش مسئولیت مدنی ناشی از عمل غیر است (صفایی، ۱۳۵۵، ص ۲۶۳) و با این توضیح، لازم است با پیش‌بینی مسئله‌ای مانند تأمین الزام برای جبران خسارت، وضعیت زیان‌دیده به پیش از تحقق ضرر باز گردد و یکی از ابزارهای تحقق این هدف، گسترش مسئولیت ناشی از عمل غیر است. در خصوص مبنای مسئولیت مدنی، حقوق دانان دو نظریه اساسی مطرح می‌کنند که همواره مد نظر بوده و در بحث کنونی نیز می‌تواند معیار عمل باشد.

۱.۶. نظریه تقصیر: برداشت از این نظریه، چنین است که انسان در صورت تقصیر یا خطا در عملکرد مسئول است. بر اساس مفاد مواد ۹۵۳، ۹۵۲، ۹۵۱ قانون مدنی که اشعار می‌دارد «تقصیر اعم است از تفریط و تعدی» تفریط عبارتست از ترک عملی که به موجب قرارداد یا متعارف برای حفظ مال غیر لازم است و تعدی تجاوز نمودن از حدود اذن یا متعارف است نسبت به مال یا حق دیگری. تقصیر شامل تخلف از تعهد و التزام قانونی یا قراردادی و تجاوز شخص به حقوق شخص دیگر برخلاف موازین معمول و عرفی حقوقی است. به تعبیر دیگر چنانچه شخصی در رفتار خود از

مقررات عدول نماید و از این رهگذر باعث ورود زیان به اشخاص دیگر گردد مقصر شناخته می‌شود و باید نسبت به جبران زیان وارده اقدام نماید. در نظریه تقصیر اصل بر اثبات رابطه علیت توسط زیان‌دیده است. یعنی زیان‌دیده باید ثابت کند که زیان وارده در اثر عمل عامل زیان اتفاق افتاده و در مقابل عامل زیان نیز می‌تواند در جهت اثبات خلاف آن برآید. بدین معنی که عامل زیان تلاش خواهد کرد که ثابت کند زیان وارده در اثر خطای زیان‌دیده و یا قوه قاهره بوده است. بنابراین در نظریه تقصیر ارتکاب تقصیر و خطا شرط اصلی مسئولیت می‌باشد. با این توصیف، چنانچه بیان احکام شرعی توسط مبلغین بدرستی انجام نگیرد و مخاطب بدنبال اشتباه گوینده، دچار زیان در موارد استفتائی شود، بدیهی است که مطابق این نظریه، باید مسئول خطای خویش بوده و ضمن تصحیح حکم شرعی، جبران خسارت نماید.

۲.۶. نظریه مسئولیت مطلق

ضابطه در ایجاد مسئولیت مدنی بر اساس این نظریه، هر اقدامی را گویند که ایجاد کننده ی خطر تولید کرده باشد. به بیان دیگر هر انسانی که در پرتو فعل خویش باعث به وجود آمدن خطری شود که به افراد دیگر زیان وارد نماید، مسئول عملکرد خود بوده و باید جبران خسارت نماید. این نظریه که بصورت قاعده و روش در اندیشه حقوقی مطرح است، بیان می‌دارد که جبران خسارت باید به شخصی نسبت داده شود که سبب وقوع آن شده است. بر اساس این نظریه چنانچه بر اثر عمل شخص یا اشخاص وابسته به او یا اشیاء تحت تصرف او خسارتی به دیگری وارد شود عامل زیان مسئول شناخته می‌شود و باید از عهده زیان وارده را جبران بنماید مگر آنکه بتواند خلاف آن را اثبات بنماید. در حقیقت مطابق نظریه ی مذکور اصل بر مسئول بودن عامل زیان است و در حقیقت او ملزم به جبران خسارت در برابر زیان‌دیده است مگر اینکه بتواند عکس آن را اثبات کند. در ما نحن فیه، مبلغی که با اشتباه در بیان مسائل شرعی، موجبات ایجاد ضرر و زیان برای مخاطب خویش را فراهم کرده، ولو ضرر معنوی، باید در جبران اقدام خلاف خویش ملزم به تکلیف باشد. علت مسئول شناختن مبلغ در این بحث، خطر و ریسکی می‌توان تصور نمود که در نتیجه اشتباه وی برای مخاطب ایجاد شده است. بدین مضمون که اگر مبلغ دین در کار و فعالیت

تبلیغی خطا نماید، باید طبق قاعده «من له الغنم فعلیه الغرم» مسئولیت ناشی از زیان‌های به عمل آمده در اثر فعالیتش را بپذیرد و به عبارتی خسارت و زیان‌های ناشی از آن را جبران نماید.

شیوه جبران ضرر معنوی ناشی از اشتباه مبلغین

در نظام حقوقی ایران در خصوص قابلیت جبران زیان معنوی همواره تردید وجود داشت، چنانکه برخی معتقدند کسر اعتبار و حیثیت و صدمات روحی قابل اندازه‌گیری و تقویم به پول نیستند (میرشکاری، ۱۴۰۲، ص ۳۵۳). با تدبیر و مطالعه در موضوع، در میابیم که زیان معنوی، هر نوع خسارتی است که به حقوق غیرمالی افراد وارد می‌شود و گاه در امکان جبران این نوع از زیان، تردیدهایی وجود داشته است زیرا بیم آن وجود داشته و دارد که شاید نتوان میزان دقیق خسارت معنوی را ارزیابی نمود و این دغدغه که روش مناسبی برای جبران آن وجود ندارد، سبب می‌شود برخی دادگاه‌ها تمایلی به جبران آن نداشته باشند. لکن در زمان کنونی و با توجه به صراحت ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، کمتر در لزوم جبران چنین زیانی تردید وجود دارد. اگر چه اساس این ماده در خصوص جرائم است و شاکی می‌تواند جبران تمام ضرر و زیان‌های معنوی ناشی از جرم را مطالبه کند اما با وجود اطلاق این حکم، در تبصره ۲ همین ماده، تلاش شده تا قلمروی مطالبه ضرر معنوی محدود شود و مطابق این تبصره، در جرایم تعزیری و نیز مستوجب دیه تنها باید به اعمال تعزیر و دریافت دیه بسنده کرد و زیان معنوی در این موارد، قابل مطالبه نیست. به هر حال، مسئله اصلی بعد از پذیرش زیان معنوی، این است که چه روشی بهتر می‌تواند زیان وارده را جبران کند؟ و مناقشه اصلی در نوشتار پیش رو همین است.

برای پاسخ ذکر این نکته حائز اهمیت است که یکی از مهمترین آثار قبول ضرر معنوی مبلغین و ضرورت جبران آن، شیوه و تطبیق جبران ناشی از بر وضعیت زیان دیده است. و باید این مطلب را در نظر داشت که بین روش جبران و ضرر وارده سختیت عرفی برقرار باشد. در نتیجه روش جبران هر خسارتی با توجه به متعلق آن، متفاوت خواهد بود. در حقوق ایران، انواع روش‌های جبران خسارت معنوی اعم از مالی و غیر مالی را پیش‌بینی نموده است و به عنوان یک قاعده کلی در ماده ۳ قانون مسئولیت

مدنی بیان می‌دارد: دادگاه میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین خواهد کرد. مثلاً در ماده ۸ قانون مسئولیت مدنی به یکی از روش‌های جبران خسارت معنوی اشاره می‌کند: کسی که در اثر تصدیقات و انتشارات مخالف واقع به حیثیت و اعتبارات و موقعیت دیگری زیان آورد، مسئول جبران آن است و شخصی که بر اثر انتشارات مزبور یا سایر وسایل مخالف با حسن نیت، مشتریانش کم یا در معرض از بین رفتن باشد، می‌تواند موقوف شدن عملیات مزبور را خواسته و در صورت اثبات تقصیر، زیان وارده را از واردکننده مطالبه نماید. البته گاه ضرر دیده همین که غرامت دریافت نماید برایش کفایت میکند و دنبال تسلی خاطر از حیث وارد شدن خسارت معنوی نیست و گاهی نیز برخی اصرار دارند جدا از دریافت خسارت مادی، از آنها دلجویی و عذرخواهی شود و همین را عرفاً جبران خسارت معنوی قلمداد می‌کنند. و اما در خصوص شیوه جبران ضرر معنوی ناشی از اشتباه مبلغین دینی تصریحی در قانون مسئولیت مدنی دیده نمی‌شود لکن آنچه قانون مسئولیت مدنی در مواد مختلف بر آن تأکید می‌ورزد، لزوم جبران خسارت اعم از مادی و معنوی است. از منظر فقه، در قالب قواعدی چون لاضرر و تسبیب و سایر مبانی، لزوم جبران ضرر معنوی پذیرفته شده است. همچنین در رابطه با روش جبران خسارت معنوی ناشی از اشتباه مبلغین روش متداول وجود دارد و آن الزام مبلغ به مراتب اعتدال و بیان صحیح احکام شرعی می‌باشد. اما این نکته را باید متذکر شد که راهای جبران خسارت معنوی موضوعیت ندارند بلکه طریقت دارند. بنابراین هر راهی که در جبران خسارت معنوی گره گشا باشد اهمیت دارد؛ گاهی فقط با پول قابل جبران است، گاهی با یک عذرخواهی (پروین، ۱۳۸۰، ص ۱۸۵) و گاهی با اعلام صحیح آن. به همین دلیل در ماده ۳ قانون مدنی طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و قرائن در اختیار دادگاه گذاشته است.

بنابراین با توجه به اهمیت حرفه مبلغین و ارتباط مستقیم آن با حقوق مخاطبین و همچنین با توجه به فقه و بعضی از مواد قانون مدنی می‌توان تأیید مسئله ضرورت جبران خسارت معنوی و مادی مبلغین دینی را مشاهده کرد و با وجود این شایسته است، قانونگذار به این مورد یک ماده قانونی مجزا و اختصاصی تخصیص دهد.

۷. یافته‌های پژوهش

۱. حاصل آنکه مسئولیت مبلغ در فقه، مسئولیت یا ضمان قهری می‌باشد که مبلغ بدون قراردادی در مقابل مردم مسئولیت پیدا می‌کند. لذا مبلغ در صورت اشتباه خواه سبک یا فاحش ضامن است و در هر مورد به نحوی مسئول تلقی می‌شود.

۲. در قوانین مدنی کشور به صراحت در مورد مسئولیت مدنی مبلغ اشاره نشده است. اما مهم‌ترین ادله قانونی ماده ۱ قانون مدنی است و همچنین قواعد فقهی و کلی (قاعده لاضرر، قاعده تسبیب) که ادله متقن و معتبری است. لذا مبنای قابلیت انتساب مسئولیت و ضمان مبلغ در صورت اشتباه در بیان احکام ذیل عنوان قاعده لاضرر و تسبیب یک مبنای جامع و کامل است. با این توضیح که هر ضرری که مبلغ با عملکرد اشتباه بر مکلفین و مردم وارد می‌کند، ضامن خسارت وارده است و همچنین با توجه به قاعده تسبیب و رابطه سببیت با اثبات غفلت و تقصیر، ضمان مبلغ قابل توجیه و دفاع است.

۳. قول به ضمان مبلغ در احکام الزامی و غیر الزامی منطقی به نظر می‌رسد و معتقد شدن به مسئولیت مطلق در احکام دینی و شرعی قابل دفاع است؛ زیرا مبلغین و نهادهای تبلیغاتی وظیفه تبلیغ و نشر احکام دینی را به عهده دارند و ضروری است که با عینیت بخشیدن صحیح ارزش‌های دینی چه در احکام الزامی یا غیر الزامی از این احکام حفاظت و حراست کنند. و می‌توان مطابق با نظر فقهای شیعه اعلام و اظهار خلاف واقع را نوعی حراست از دین دانست و عملکرد اشتباه مبلغ را از مصداق اغراء به جهل به شمار آورد. لذا مسئولیت مبلغ تنها به افعال یا به بیان اشتباه احکام نیست بلکه در مورد ترک فعل هم مسئولیت وجود دارد.

۴. فهم و شناخت عمیق دین و ابلاغ و تبلیغ آن دو مسئولیت خطیر مبلغین می‌باشد که ایفای آن جز با سه ابزار مهم علم، ایمان و عقلانیت امکان‌پذیر نخواهد بود. اهمیت موضوع زمانی بیشتر می‌شود که بدانیم که اگر مبلغین دینی به عنوان یکی از اصناف بسیار تأثیرگذار در جامعه، علم و اطلاع کافی از مسئولیت و وظایف خویش نداشته

باشند، به جامعه اسلامی آسیب جدی وارد می‌سازد که مشاهده نمونه‌هایی در جامعه از جمله قمه‌زنی، آداب مربوط به زیارت، احکام مربوط به نماز و بسیاری احکام دیگر، نشانگر آن است که یکی از مهم‌ترین علل بروز این موارد نقص آگاهی‌های مبلغین و نهادهای تبلیغاتی است. در نتیجه مبلغ با شناخت دقیق از مسئولیت خود در جامعه بعنوان کسی که نیازمندی‌های زمان را بر مبانی اصول و مبانی اسلام تبیین می‌کند، می‌تواند از ایجاد بسیاری مسئولیت‌ها و ضمانت‌ها جلوگیری کند.

۵. ملاک اثبات مسئولیت مبلغ امر تعبدی و تشریحی نیست که نیاز به بیان شارع داشته باشد بلکه مسئولیت مبلغین در برابر جامعه یک امر طبیعی است که در همه اقشار و اصناف در صورت عملکرد اشتباه، در باب ضمان لحاظ می‌شود.

منابع

۱. ابن منظور، ابوالفضل، (۱۴۱۴)، لسان العرب، بیروت: دار الفکر
۲. اشتهاودی، علی پناه، (۱۴۱۷)، مدارک العروة، تهران: دار الأسوة للطباعة و النشر
۳. امامی، حسن، (۱۴۰۱)، حقوق مدنی، تهران: انتشارات اسلامیة
۴. انصاری، مرتضی، (۱۴۱۵)، المکاسب، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری
۵. آملی، میرزا هاشم، (۱۳۹۵)، القواعد الفقهیة و الاجتهاد و التقليد، قم: المطبعة العلمیة
۶. باقری، پرویز و فریادیان، ابراهیم، (۱۳۹۹)، مطالعه مسئولیت مدنی در فقه و حقوق جمهوری اسلامی ایران، کنفرانس بین المللی فقه و حقوق و پژوهشهای دینی، تهران، دوره اول
۷. پروین، فرهاد، (۱۳۸۵)، خسارات معنوی در حقوق ایران، تهران: نشر ققنوس
۸. جعفری، محمد تقی، (۱۴۱۹)، رسائل فقهی، تهران: مؤسسه منشورات کرامت
۹. تبریزی، جواد بن علی، (۱۴۲۵)، القواعد الفقهیة و الاجتهاد و التقليد، قم: دار الصدیقة الشهیدة
- س
۱۰. (۱۴۲۶)، تنقیح مبانی العروة کتاب الاجتهاد و التقليد، قم: دار الصدیقة الشهیدة
- س
۱۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۶۸)، ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش
۱۲. جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، محمود، (۱۴۲۶)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی
۱۳. جمعی از مؤلفان، (بی تا)، مجله فقه اهل بیت ع، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی
۱۴. جوادی آملی، عبد الله، (۱۴۱۵)، أسرار الصلاة، قم: دفتر انتشارات اسلامی
۱۵. جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۱۰)، الصحاح، بیروت: دار العلم

۱۶. حاجی پور، حسین، (۱۳۹۴)، شکاف بین قول و فعل مبلغان و مربیان دینی در تبلیغ دین، آسیب پژوهی اجتماعی، سال اول، شماره ۱، ۲۳ - ۱
۱۷. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۳)، الفوائد الطوسیة، قم: چاپخانه علمی
۱۸. حسینی خامنه‌ای، سید علی، (۱۴۲۴)، أجوبة الاستفتاءات، قم: دفتر معظم له
۱۹. حسینی شیرازی، صادق، (۱۴۲۶)، بیان الفقه فی شرح العروة الوثقی، قم: دار الأنصار
۲۰. حسینی، فاطمه السادات و همکاران، (۱۳۹۸)، نگرش فقهی و حقوقی بر چالش مفهوم جبران مالی ضرر معنوی در محاکم قضایی، فقه و مبانی حقوق اسلامی، دوره ۱۲، شماره ۳، صص ۱۰۱ - ۸۱
۲۱. حمیری، نشوان بن سعید، (۱۴۲۰)، شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم، بیروت: دار الفکر المعاصر
۲۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲)، مفردات، لبنان: دار العلم
۲۳. زکریا، ابو الحسین، احمد بن فارس، (۱۴۰۴)، معجم مقاییس اللغة، قم: انتشارات دفتر تبلیغات
۲۴. سنهوری، عبدالرزاق، (بی تا)، الوسیط فی شرح القانون المدني، بیروت: دار احیاء تراث عربی
۲۵. شبیری زنجانی، موسی، (۱۴۳۰)، رساله توضیح المسائل، قم: انتشارات سلسبیل
۲۶. صافی گلپایگانی، علی، (۱۴۲۷)، ذخیره العقبی فی شرح العروة الوثقی، قم: گنج عرفان
۲۷. صافی گلپایگانی، لطف الله، (۱۴۱۷)، جامع الأحکام، قم: انتشارات حضرت معصومه س
۲۸. صفایی، حسین، (۱۳۵۵)، مفاهیم و ضوابط جدید در حقوق مدنی، تهران، مرکز تحقیقات
۲۹. طاهری، حبیب الله، (۱۴۱۸)، حقوق مدنی، قم: دفتر انتشارات اسلامی
۳۰. طباطبایی حائری، محمد مجاهد، (۱۲۹۶)، القواعد و الفوائد، قم: مؤسسه آل البيت ع
۳۱. طباطبایی حکیم، محسن، (۱۴۱۶)، مستمسک العروة الوثقی، قم: مؤسسه دار التفسیر
۳۲. عاملی، زین الدین بن علی، (شهادت ثانی)، (۱۴۱۳)، مسالک الأفهام، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة
۳۳. علوی، عادل بن علی بن الحسین، (۱۴۲۱)، القول الرشید فی الاجتهاد و التقليد، قم: انتشارات کتابخانه و چاپخانه آیت الله مرعشی نجفی
۳۴. عمید زنجانی، عباس علی، (۱۴۲۱)، فقه سیاسی، چهارم، تهران: انتشارات امیر کبیر
۳۵. فیومی، احمد بن محمد، (بی تا)، المصباح المنیر، قم: منشورات دار الرضی
۳۶. قرشی، علی اکبر، (۱۴۱۲)، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الإسلامیة
۳۷. کاشف الغطاء، علی بن محمد، (۱۳۸۱)، النور الساطع فی الفقه النافع، عراق: مطبعة الآداب
۳۸. کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷)، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامیة
۳۹. کلانتری، عباس و سلیمانی، سعیده، (۱۳۹۴)، مسوولیت مدنی سبب مجمل با رویکردی به قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، پژوهشهای فقهی، دوره ۱۱، شماره ۲، صص ۴۴۲ - 413
۴۰. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۱۰)، بحار الأنوار، لبنان: مؤسسه الطبع و النشر

۴۱. محقق داماد، مصطفی، (۱۴۰۶)، قواعد فقه، دوازدهم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی
۴۲. محقق داماد، مصطفی و مرادی، یاسر، (۱۳۹۷)، تحلیل مسئولیت بانک ها در قبال مشتریان؛ موانع و راهکارها، تهران: مجله اقتصاد اسلامی، دوره ۱۸، ۷۲، صص ۹۵-۱۲۰
۴۳. مراغی، میر عبد الفتاح (۱۴۱۷)، العناوین الفقهیة، قم: دفتر انتشارات اسلامی
۴۴. مرتضوی لنگرودی، محمد حسن، (۱۴۱۲)، الدر النضید فی الاجتهاد و الاحتیاط و التقلید، قم: مؤسسه انصاریان
۴۵. مرعشی شوشتری، محمد حسن، (۱۴۲۷)، دیدگاه‌های نو در حقوق، تهران: نشر میزان
۴۶. مرعشی نجفی، شهاب الدین، (۱۴۲۲)، القول الرشید فی الاجتهاد و التقلید، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی
۴۷. مشکینی، میرزا علی، (بی تا)، مصطلحات الفقه، بی جا
۴۸. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۷)، استفتاءات جدید، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب
- ع
۴۹. (۱۴۲۴)، کتاب النکاح، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب ع
۵۰. منتظری، حسینعلی، (بی تا)، استفتاءات مسائل ضمان، قم: بی جا
۵۱. (۱۴۰۹)، مبانی فقهی حکومت اسلامی، قم: مؤسسه کیهان
۵۲. (۱۴۲۷)، معارف و احکام بانوان، قم: انتشارات مبارک
۵۳. موحدی لنگرانی، محمد فاضل، (۱۴۱۴)، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة، قم: دفتر انتشارات اسلامی
۵۴.، (بی تا)، جامع المسائل، قم: انتشارات امیر قلم
۵۵. موسوی بجنوردی، محمد بن حسن، (۱۴۰۱)، قواعد فقهیه، تهران: مؤسسه عروج
۵۶. موسوی خمینی، روح الله، (۱۴۲۲)، استفتاءات، قم: دفتر انتشارات اسلامی
۵۷. (۱۴۲۶)، رساله عملیه، تهران: مؤسسه حفظ و نشر آثار
۵۸. موسوی خویی، ابو القاسم، (۱۴۱۰)، منهاج الصالحین، قم: نشر مینة العلم
۵۹. (۱۴۱۱)، فقه الشیعة - الاجتهاد و التقلید، قم: چاپخانه نو ظهور
۶۰. (۱۴۱۸)، التنقیح فی شرح العروة الوثقی، قم: تحت اشراف جناب آقای لطفی
۶۱. مقامی نیا، داریوش، (۱۳۹۷)، مبنای فقهی مسئولیت مدنی با نگاهی به قاعده لاضرر، فصلنامه حقوقی قانون یار، دوره ۲، شماره ۸، صص ۴۲۶-۴۰۵
۶۲. میرشکاری، عباس و حسینی، فاطمه سادات، (۱۴۰۲)، مطالعه تطبیقی روش جبران زیان معنوی با تأکید بر رویکرد رویه قضایی ایران، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۷، شماره ۱۲۱، صص ۳۷۸-۳۵۱
۶۳. نجفی اصفهانی، محمد تقی، (بی تا)، الاجتهاد و التقلید، قم: مؤسسه آل البيت ع

۶۴. نراقی، احمد ، (۱۴۱۷)، عوائد الایام، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی
۶۵. مشارق/الأحكام، قم: کنگره نراقیین ملا مهدی و ملا احمد
۶۶. نیک فرجام، زهره، (۱۳۹۲)، جبران خسارت معنوی در فقه و حقوق، مبانی فقهی حقوق اسلامی، سال ششم شماره یازدهم، ۱۱۲۷-۱۰۵

Reference

1. Lasan al-Arab. Dar al-Fakr, Beirut. ۹۹۴. Ibn Manzoor, Abul Fazl, (1۱ [In Arabic]
2. Eshtreddi, Ali Panah, (1989), Madarak al-Arwa. Dar al-Aswa for printing and publishing, Tehran. [In Arabic]
- [In 3. Emami, Hassan, (1981), Civil Laws. Islamic Publications, Tehran. Persian]
- . Ansari, Morteza, (1995), Al-Makasib. World Congress in ۴ Commemoration of Sheikh Azam Ansari. Qom. [In Arabic]
5. Amoli, Mirza Hashem, (2015), Jurisprudence and Al-Ijtihad and Al-Taqlid. Al-Mattabah Al-Elamiya, Qom. [In Arabic]
6. Bagheri, Parviz and Faryadian, Ebrahim, (2019), Study of Civil Liability in Jurisprudence and Law of the Islamic Republic of Iran, International Conference on Jurisprudence and Law and Religious Research, , First Session, Tehran. [In Persian]
7. Parvin, Farhad, (2006), Moral Damages in Iranian Law. Qoghnous Publications, Tehran. [In Persian]
8. Jafari, Mohammad Taqi, (1999), Rasail Faqhi. Mansurat Karamat Foundation, Tehran. [In Arabic]
9. Tabrizi, Jawad bin Ali, (2004), al-Qasea al-Fiqhiyah and ijtihad and al-taqlid. Dar al-Siddiqah al-Shahida. Qom. [In Arabic]
10. Tabrizi, Jawad bin Ali, (2005), Revision of the Basics of Al-Urwa, Kitab Ijtihad wa Al-Tiqlid. Dar al-Siddiqah al-Shahida, Qom. [In Arabic]
11. Jafari Langroodi, Mohammad Jafar, (1989), Terminology of Law. Ganj Danesh, Tehran. [In Persian]
12. A group of researchers under the supervision of Shahroudi, Mahmoud, (1997), The Culture of Jurisprudence According to the School of Ahl al-Bayt, Alaihis Salam. Institute of Islamic Jurisprudence Encyclopedia, Qom. [In Persian]
13. A group of authors, (Beita), Journal of Jurisprudence of Ahl al-Bayt, A.S. Institute of Islamic Jurisprudence Encyclopedia, Qom. [In Persian]
14. Javadi Amoli, Abdullah, (1995), Secrets of Prayer. Islamic [In Arabic] Publications Office, Qom

- Dar al-Ilm, Beirut.[In .15. Johari, Ismail bin Hammad, (1995), Al-Sahah Arabic]
16. Hajipour, Hossein, (2015), The gap between the words and actions of religious preachers and educators in the propagation of religion, Social Damage Research, Year 1, Issue 1, 23-1[In Persian]
 - 3), Al-Fawaid al-Tusiyah (17. Hurr Amely, Muhammad bin Hassan, Al-Ilmiyah Press, Qom. [In Arabic]
 18. Hosseini Khamenei, Seyyed Ali, (2003), Anjub al-Istiftatā'at.Daftar Mu'aazam Leh, Qom. [In Persian]
 19. Hosseini Shirazi, Sadeq, (2005), Bayan al-Fiqh fi Sharh al-Urwa al-Wathqa. Dar al-Ansar, Qom. [In Arabic]
 20. Hosseini, Fatima al-Sadat et al., (2019), Jurisprudential and legal perspective on the challenge of the concept of financial compensation for moral damage in judicial courts, Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Volume 12, Issue 3, pp. 101-81. [In Persian]
 21. Himiri, Nashwan bin Saeed, (1999), Shams al-Ulum and the Medicine of the Words of the Arabs from the Words. Dar al-Fikr al-Masa'ir, Beirut. [In Arabic]
 22. Raghیب Isfahani, Hussein bin Muhammad, (1992), Mufradat. Dar al-Ilm, Lebanon. [In Arabic]
 23. Zakaria, Abu al-Hussein, Ahmad bin Faris, (1984), Mu'jam al-Maq'ees al-Lughah. Daftar Tablighat Publications, Qom. [In Arabic]
 24. Sanهوري, Abdul Razzaq, (B.T.A.), Al-Wasit fi Sharh al-Qanun al-Madani. Dar al-Ihya'a al-Turath al-Arabi, Beirut. [In Arabic]
 25. Shabir Zanjani, Musa, (2009), Risalat al-Thuzi' al-Mas'al. Salsabil Publications, Qom. [In Arabic]
 26. Safi Golpaygani, Ali, (2006), Zakhirat al-Aqbi fi Sharh al-Urwa al-Wathqi. Ganj Erfan, Qom. [In Arabic]
 27. Safi Golpaygani, Lutfullah, (1997), Jame' al-Ahkam. Hazrat Masoumeh S Publications, Qom. [In Arabic]
 28. Safaei, Hussein, (1978), New Concepts and Criteria in Civil Law. Tehran, Research Center Islamic Publications Office, (8), Civil Law (1978). Safaei, Hussein, (1978), New Concepts and Criteria in Civil Law. Tehran, Research Center Islamic Publications Office, (8), Civil Law (1978). [In Persian]
 29. Taheri, Habibullah, (1978), Civil Law. Qom. [In Persian]
 30. Tabatabaei Haeri, Mohammad Mujahid, (1879), Al-Qawam and al-Fawad. Al-Bayt Institute, Qom. [In Arabic]
 31. Tabatabai Hakim, Mohsen, (1996), Mustamsk al-Arwa al-Wathqi. Dar al-Tafsir Foundation, Qom. [In Arabic]

32. Aamili, Zain al-Din bin Ali, (second martyr), (1993), Masalak al-Afham. Islamic Encyclopaedia Foundation, Qom. [In Arabic]
33. Alavi, Adel bin Ali bin Al-Hussein, (2000), Qol al-Rashid fi ijthad wa al-tqlid, Publications of Ayatollah Murashi Najafi Library and Printing House, Qom. [In Arabic]
34. Amid Zanjani, Abbas Ali, (2000), Political Jurisprudence, 4th, Amir Kabir Publications, Tehran. [In Persian]
35. Fayoumi, Ahmad bin Muhammad, (B.T.A.), Al-Masbah al-Munir. Dar al-Razi Publications, Qom. [In Arabic]
36. Qurashi, Ali Akbar, (1992), Quran Dictionary. Dar Al-Kuttub Al-Islamiyya, Tehran. . [In Arabic]
37. Kashif Al-Ghita, Ali bin Muhammad, (1962), Al-Nur Al-Sati'e Fi Al-Fiqh Al-Nafi. Al-Adab Press, Iraq. [In Arabic]
38. Kulaini, Abu Ja'far, Muhammad bin Ya'qub, (1987), Al-Kafi. Dar Al-Kuttub Al-Islamiyya, Tehran. [In Arabic]
39. Kalantari, Abbas and Soleimani, Sa'ida, (2016), Civil Liability of General Cause with an Approach to the Islamic Penal Code Approved in 1392, Jurisprudential Research, Volume 11, Number 2, pp. 442-413. [In Persian]
40. Majlesi, Muhammad Baqir, (1990), Bihar Al-Anwar. Al-Tab' and Nashr Foundation, Lebanon. [In Arabic]
41. Mohaqeq Damad, Mustafa, (1986), Rules of Jurisprudence, 12th. Islamic Sciences Publishing Center, Tehran. [In Persian]
42. Mohaqeq Damad, Mustafa and Moradi, Yasser, (2019), Analysis of Banks' Responsibility Towards Customers; Obstacles and Solutions, Tehran: Journal of Islamic Economy, Volume 18, 72, pp. 95-120. [In Persian]
43. Maraghi, Mir Abd al-Fattah (1997), al-Tawsaf al-Fiqhiyyah. Islamic Publications Office, Qom. [In Arabic]
44. Mortazavi Langroudi, Muhammad Hassan, (1992), Al-Dar al-Nazid fi Ijthad wa al-Ahtiyat va al-Taqlid. Ansarian Institute, Qom. [In Arabic]
45. Marashi Shushtri, Mohammad Hassan, (2006), New Perspectives in Law. Mizan Publishing, Tehran. [In Arabic]
46. Marashi Najafi, Shahab al-Din, (2001), Qol al-Rashid fi ijthad wa al-taqlid. Ayatollah Marashi Library, Qom. [In Arabic]
47. Mishkini, Mirza Ali, (Bita), Jurisprudence terms, bi-ja. [In Arabic]
48. Makarem Shirazi, Nasser, (2006), Istfatayat Jadid. Publications of Imam Ali Ibn Abi Taleb School, Qom. [In Persian]

49. Makarem Shirazi, Nasser, (2003), *Ketab al-Nekah*. Publications of Imam Ali Ibn Abi Taleb School, Qom. [In Arabic]
50. Montazeri, Hossein Ali, (unpublished), *Inquiries into the Issues of Guarantee*. Unpublished, Qom. [In Persian]
51. Montazeri, Hossein Ali, (1989), *The Jurisprudential Foundations of the Islamic State*. Kayhan Institute, Qom. [In Persian]
52. Montazeri, Hossein Ali, (2006), *The Knowledge and Rulings of Women*. Mubarak Publications, Qom. [In Persian]
53. Movahedi Lankarani, Mohammad Fadel, (1994), *The Explanation of the Sharia in the Explanation of Tahrir al-Wasilah*. Islamic Publications Office, Qom. [In Arabic]
54. Movahedi Lankarani, Mohammad Fadel, (Bita), *Jame al-Masal*, Qom: Amir Qalam Publications [In Persian]
55. Mousavi Bojnourdi, Mohammad bin Hassan, (1981), *Jurisprudential Rules*. Aruj Institute, Tehran. [In Arabic]
56. Mousavi Khomeini, Ruhollah, (2001), *Referenda*, Islamic Publications Office, Qom. [In Persian]
57. Mousavi Khomeini, Ruhollah, (2005), *Practical Treatise*. Institute for the Preservation and Publication of Works, Tehran. [In Persian]
58. Mousavi Khoyi, Abul Qasim, (1990), *Minhaj al-Salihin*. Madinah al-Ilm Publishing, Qom. [In Arabic]
59. Mousavi Khoyi, Abu al-Qasim, (1991), *Shiite Jurisprudence - Ijtihad and Taqlid*. No-Zuhor Printing House, Qom. [In Arabic]
60. Mousavi Khoyi, Abu al-Qasim, (1998), *Al-Tanqih fi Sharh al-Urwa al-Wathqi*. Under the supervision of Mr. Lotfi. Qom. [In Arabic]
61. Maghamnia, Dariush, (2019), *Jurisprudential Basis of Civil Liability with a View to the Rule of No Harm*, Qanun Yar Legal Quarterly, Volume 2, Issue 8, pp. 426-405. [In Persian]
62. Mirshekari, Abbas and Hosseini, Fatemeh Sadat, (2024), *Comparative Study of the Method of Compensation for Moral Damages with Emphasis on the Approach of Iranian Judicial Procedure*, Justice Legal Journal, Volume 87, Issue 121, pp. 378-351. [In Persian]
63. Najafi Isfahani, Mohammad Taqi, (B.A.), *Ijtihad and Al-Taqlid*. Aal-e-Bayt Foundation, Qom. [In Arabic]
64. Naraqi, Ahmad, (1997), *Awa'id al-Ayam*. Publications of the Islamic Propaganda Office, Qom. [In Arabic]
65. Naraqi, Ahmad, (2001), *Mashariq al-Ahkam*. Congress of Naraqis Mulla Mahdi and Mulla Ahmad, Qom. [In Arabic]
66. Nik Farjam, Zohra, (2024), *Compensation for Moral Damage in Jurisprudence and Law*, Jurisprudential Principles of Islamic Law, Year 6, Issue 11, 1127-105. . [In Persian]

نسخه پیش از انتشار (ناویراسته)